

نام‌ها و اوصاف پیامبر اعظم ﷺ در قرآن

یک: نام‌های پیامبر ﷺ در قرآن

در برخی روایات، به نام‌های پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - در قرآن کریم اشاره شده است که ما در ضمن دو حدیث، آنها را بیان می‌کنیم. در روایتی از امام باقر - علیه السلام - آمده است که فرمودند:

«إن لرسول الله - صلی الله علیه و آله - عشرة أسماء خمسة في القرآن و خمسة ليست في القرآن فاما التي في القرآن، فمحمد و احمد و عبدالله و یس و ن.»^۱

«برای رسول خدا - صلی الله علیه و آله - ده نام است که پنج نام در قرآن و پنج نام در غیر قرآن است: آن نام‌هایی که در قرآن است عبارت اند از: "محمد"، "احمد"، "عبدالله"، "یس"، "ن".»

در روایتی از امام صادق - علیه السلام - نقل شده است که «طه» از اسامی پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - است و معنی آن «یا طالب الحق الیهادی الیه»، «ای کسی که طالب حقی و هدایت کننده به سوی آتی» است.^۲ با توجه به این دو روایت، پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله -، در قرآن کریم به شش نام معرفی شده است که آیه‌های آن بدین شرح است:

۱ - «محمد - صلی الله علیه و آله -»

«وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَيْنَا مِنْ كِتَابٍ مُخْتَلِفٍ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَرَتْ عَنْهُمْ سُنِّيَاتِهِمْ وَأَضَلَّحَ بِالْهَيْمِ»^۳

در آیات دیگری نیز این نام ذکر شده است که عبارت اند از: سوره آل عمران (۲) آیه ۱۴۴، سوره احزاب (۳۳) آیه ۴۰، سوره فتح (۴۸) آیه ۲۹، ۲ - «احمد»:

۱ - تفسیر نور الثقلین، العروسی الحویزی، نشر سماعین، ۲۰۱۲، ج ۲، ص ۳۷۴.
۲ - تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، نشر دارالکتب الاسلامیه، ۳۵۹، ج ۱۳، ص ۱۵۷.
۳ - سوره محمد (۴۷) آیه ۲.

۳
۲
۱

پیامبر اعظم ﷺ در آئینه قرآن

محمد بهرامی

قرآن کریم متقن‌ترین و بهترین کتاب در معرفی و شناساندن پیامبر اعظم - صلی الله علیه و آله - است؛ زیرا این کتاب کلام وحی و سخن خداوند متعال است و از جهت حقانیت و درستی مطالب، معتبرترین کتاب به شمار می‌رود. خداوند متعال، در قرآن کریم، در آیات متعددی درباره پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - سخن گفته است. در این آیات، گاهی به طور مستقیم و گاهی به شکل غیر مستقیم، پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - معرفی شده است. این معرفی در قالب‌هایی همچون، ستایش و تمجید از پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - بیان اوصاف و شئون، ذکر مقامات و مناقب و بیان عظمت روحی آن حضرت صورت گرفته. و جلوه‌های مختلف شخصیتی و رفتاری آن حضرت، تبیین شده است. آنچه که ما در این مقاله می‌آوریم ذکر فهرست وار این جلوه‌ها در آیات کریمه است که در سه بخش کلی «نام‌ها و اوصاف»، «مقامات» و «مناقب» پیامبر اعظم - صلی الله علیه و آله - تنظیم شده است.

﴿وَأَذَّأ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَاتِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنَ بَعْدِي إِسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ﴾^۱

۳- «عبدالله»:

﴿وَإِنَّهُ لَمَّا قَاذ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا﴾^۲

۴- «یس»: ﴿یس﴾^۳

۵- «ن»: ﴿نُ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾^۴

۶- «طه»: ﴿طه﴾^۵

دو. اوصاف پیامبر ﷺ در قرآن

در قرآن کریم، اوصاف فراوانی برای پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - ذکر شده است که به بخشی از آنها با ذکر آیه‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. شاهد(گواه)، مبشر(بشارت دهنده)، نذیر(انذار دهنده)، داعی الی الله (دعوت کننده به سوی خدا)، سراج منیر(چراغ روشنایی دهنده).

این اوصاف والا و پرمنزلت در آمده است:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاحِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ۖ وَدَانِيًا إِلَى اللَّهِ بِأَذْنِهِ وَ سِرَاجًا وَنُورًا﴾^۶

۲. رثوف و رحیم

این دو صفت به همراهِ دو ویژگی از ویژگی‌های اخلاقی پیامبر رحمت حضرت محمد - صلی الله علیه و آله - در چنین بیان شده است:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾^۱

«رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج‌های شما بر او سخت است و اصرار به هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان رثوف و مهربان است.»

در این آیه کریمه، علاوه بر دو صفت «رثوف» و «رحیم» به دو ویژگی اخلاقی پیامبر - صلی الله علیه و آله - اشاره شده است. ویژگی نخست این است که پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - آن قدر خیرخواه و همدرد و دوستدار مردم بود که از رنج‌هایی که به مردم می‌رسید آزرده خاطر می‌شد، به طوری که برای او سخت بود که ببیند به کسی رنج و سختی برسد.

ویژگی دوم، دلسوزی آن حضرت است. حضرت دوست نمی‌دارد که حتی یک نفر از مسلمانان در مسیر هدایت نیابد. از این رو، این دلسوزی آن چنان است که خداوند، از اصرار حضرت در هدایت مردم، به «حریص علیکم» تعبیر کرده است. چنان که خداوند در سوره مبارکه کهف در این باره خطاب به پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - می‌فرماید:

﴿فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ عَلَىٰ آثَرِهِمْ إِنْ لَّمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا﴾^۲

«گویی - اگر آنها به این گفتار ایمان نیاورند - می‌خواهی خود را از غم و اندوه به جهت اعمال آنها، هلاک کنی.»

در قرآن کریم، اوصاف دیگری نیز برای آن حضرت آمده است که به جهت رعایت اختصار، تنها به اوصاف مشترک قرآنی خداوند با پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - اشاره می‌کنیم.

۱- سوره صافات (۶۱) آیه ۴.

۲- سوره جن (۷۳) آیه ۱۶.

۳- سوره یس (۳۶) آیه ۱.

۴- سوره قلم (۶۸) آیه ۱.

۵- سوره طه (۲۰) آیه ۱.

۶- سوره احزاب (۳۳) آیه ۴۵ - ۴۶.

۱- سوره توبه (۹) آیه ۲۸.

۲- سوره کهف (۱۸) آیه ۶.

اوصاف مشترک قرآنی خدا و رسول^۱

خداوند سبحان اوصافی را برای خود در قرآن ذکر کرده که همانها را برای پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - نیز بیان کرده است:

۱. خداوند قرائت قرآن را همان گونه که به خود نسبت داده و فرموده است: ﴿إِنَّا عَلَيْنَا جُمُعَةٌ وَفَرَأَنَّهُ فَاذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ﴾^۲ به پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - نیز نسبت داده و می‌فرماید: ﴿إِذَا نَسَمِ رَبِّكَ الْبَدَىٰ خَلَقَ﴾^۳.
۲. همان طور که خداوند، خود را تلاوت کننده قرآن معرفی کرده است: ﴿تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَنْزِيلًا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ﴾^۴، پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - را نیز تالی قرآن معرفی می‌کند: ﴿يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا﴾^۵، و به آن حضرت دستور می‌دهد تا آیت الهی را بر مردم تلاوت کند: ﴿وَآتِلْ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابٍ﴾^۶.
۳. خداوند همان طور که ترتیل و منظم و هماهنگ خواندن را به خود اسناد می‌دهد: ﴿وَرَتَلْنَاهُ تَرْتِيلًا﴾^۷، آن را به پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - نسبت می‌دهد: ﴿وَرَتَلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾^۸.
۴. خداوند متعال همان گونه که قرآن کریم را کلام خود معرفی می‌کند، آن را کلام و قول رسول الله نیز می‌داند: ﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ﴾^۹.
۵. خداوند آن چنان که خود را معلم قرآن معرفی کرده: ﴿أَلْمُحْضَنُ﴾^{۱۰} عِلْمُ الْقُرْآنِ^{۱۱} همین صفت را به پیامبر - صلی الله علیه و آله - نیز نسبت می‌دهد:

۱ - تفسیر موضوعی قرآن کریم، عبدالله جوادی آملی، قم، نشر اسرار، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۶، ص ۲۶۶-۲۶۷.

۲ - سوره قیامت (۷۵) آیه ۱۷-۱۸.

۳ - سوره عنق (۹۶) آیه ۱.

۴ - سوره بقره (۲) آیه ۲۵۲.

۵ - سوره قصص (۲۸) آیه ۲۶.

۶ - سوره کهف (۱۸) آیه ۲۷.

۷ - سوره بقره (۲) آیه ۲۵.

۸ - سوره مزمل (۷۳) آیه ۴.

۹ - سوره تکوین (۸۱) آیه ۱۹.

۱۰ - سوره الرحمن (۵۵) آیه ۱ و ۲.

﴿وَيَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾^۱.

البته اسناد وصف «معلمی قرآن» نسبت به خداوند بالذات و بالأصله است و نسبت به پیامبر - صلی الله علیه و آله - بالعرض و بالتبع.

مقامات والای پیامبر اعظم ﷺ در قرآن

خداوند متعال در آیات قرآن کریم گاهی به طور صریح و زمانی به گونه ضمنی به مقامات پیامبر خاتم - صلی الله علیه و آله - اشاره فرموده است که در این بخش به برخی از این آیات اشاره می‌کنیم.

۱. مقام خاتمیت

قرآن کریم درباره مقام خاتمیت می‌فرماید:

﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ﴾^۲.

مقصود از خاتمیت، هم تأخر و خاتمیت زمانی و هم خاتمیت رتبی در قوس صعود است؛ خاتم یعنی «مهر» که در پایان نوشته‌ها قرار می‌گیرد. خداوند سبحان با فرستادن پیامبران، برای جامعه‌های بشری پیام می‌فرستد و پس از پایان گفتار و کلماتش، سلسله نبوتشان را با فرستادن پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - ختم، و صحیفه رسالت آنان را با وجود مبارک خاتم المرسلین مهر کرده است؛ پس هرگز جا برای نبوت و رسالت دیگری نیست. از این آیه کریمه دو نکته استفاده می‌شود: نخست این که پیامبر اکرم -

صلی الله علیه و آله - واجد همه مزایای مشترک و مزایای فرد فرد انبیا و بعضی از خصایص ویژه است که انبیای قبلی فاقد آن بوده‌اند. دوم این که، تا روز قیامت، احدی بهتر از پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - نخواهد آمد؛ زیرا رسول خدا، انسان کامل است و اگر کسی کم‌تر از وی می‌بود، حتماً او به

۱ - سوره بقره (۲) آیه ۱۲۹.

۲ - تفسیر موضوعی قرآن کریم، جوادی آملی، ج ۱، ص ۳۳ و ۳۴.

مقام خاتمیت می‌رسید.^۱

۲. مقام عبودیت مطلقه

خداوند که رب و پروردگار عالمین است نسبت به افراد مختلف، متفاوت است بعضی از انسان‌ها تحت تدبیر اسماء جزئیه حقیقتاً مثلاً بعضی در حقیقت، عبدالرزاق، عبدالجلیل، عبدالباسط، یا عبدالکریم هستند، اما پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - «عبده» است و پروردگاری مربی و مدبر شخصی پیامبر - صلی الله علیه و آله - است که نهایی‌ترین مرتبه را داراست و در قوس صعود مقامی برتر از مقام مربوبیت شخص رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - نیست و آن حضرت، منتسب به عالی‌ترین اسم از اسمهای حسناوی خدای سبحان است. یعنی «هو» که همان هویت مطلقه است و چون کاملترین بندگی از آن اوست، جامع‌ترین کلمه به او اشاره دارد:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَ عَلَىٰ الْآلَمِينَ كُلَّهُ»^۲

قرآن کریم وقتی تعبیر «عبد» را نسبت به سایر انبیا به کار می‌برد همراه با ذکر نام آنها به کار می‌برد:

«وَإِذْ كُنَّا عَبْدًا لِّإِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ»^۳

اما وقتی نام پیامبر - صلی الله علیه و آله - را می‌برد به «عبده» تعبیر می‌کند که ناظر به مقام وحدت است و این کلمه از «عبدالله» نیز بالاتر است، زیرا این بندگی (عبودیت)، حاکی از هویت مطلقه است.^۴

۳. مقام «بالترین رتبه وجودی»

خدای سبحان به پیامبرش دستور می‌دهد که «بگو: من اولین مسلمانم»:

۱ - سوره احزاب (۳۳) آیه ۴۰.

۲ - سوره توبه (۹) آیه ۳۳.

۳ - سوره عن (۳۸) آیه ۴۵.

۴ - تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱۱، ص ۲۶ و ۲۷.

«لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذِكْرِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ»^۱

منظور از «اول المسلمین» اولیت ذاتی است که گاهی از آن به اولیت رتبی یاد می‌شود. خدای سبحان درباره هیچ پیامبری تعبیر «اول المسلمین» ندارد. حضرت ابراهیم - علیه السلام - با این که قبل از پیامبر ما و سر سلسله انبیای ابراهیمی - علیهم السلام - بود و دعا کرد که

«وَأَنْبِئْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ

وَيُزَكِّيهِمْ»^۲

با این حال، خداوند به حضرت ابراهیم فرموده بگو من اولین مسلمانم. «نوح» که شیخ الانبیاء و نیز «آدم» که ابوالبشر است هیچ کدام این جمله را نفرمودند؛ تنها کسی که قرآن از او به عنوان اول المسلمین یاد می‌کند، رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - است. معلوم می‌شود این اولیت، زمانی و تاریخی نیست، زیرا اگر منظور اولیت زمانی بود، هر پیغمبری نسبت به قوم خود، اول المسلمین بود و انبیای پیشین نیز به طریق اولی می‌توانستند مصداق این اولیت باشند.

از این که خدای سبحان تنها به پیغمبر اسلام فرموده بگو مأمورم که اول المسلمین باشم، برای آن است که وی اول صادر، یا اول ظاهر است. یعنی در رتبه وجودی او، هیچ کس قرار ندارد، چنان که آن حضرت، در قیامت، اول کسی است که محشور می‌شود.^۳

۴. مقام «اسوه حسنه بودن»

در قرآن کریم آیاتی است که رسول خدا - صلی الله علیه و آله - را اسوه و الگوی جهانیان معرفی می‌کند و می‌فرماید:

۱ - سوره انعام (۶) آیه ۵۳.

۲ - سوره بقره (۲) آیه ۱۲۹.

۳ - تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱۱، ص ۳۰.

﴿ لَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ ﴾^۱

در این آیه شریفه، تنها تاسی افراد متوسط در مسائل اخلاقی و فقهی به آن حضرت مطرح نیست بلکه طی راه ولایت و انس و حشر با فرشتگان غیبی و شنیدن تسبیح آنان یا دریافت علم از آنها و آموختن دستور تأییدی و تسدید، تاسی به پیغمبر خاتم در تمامی شئون را می‌طلبد چون او، به طور کلی، این راه‌ها را طی کرده و اسوه همگان شده است. اگر کسی بخواهد از «فتح مبین»، «کوثر»، «شرح صدر» و «فتح قریب» استفاده کند به اندازه خود باید پیرو آن حضرت باشد، اگر می‌گوییم ﴿ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴾^۲ راهش آن است که پیرو کسی باشیم که سینه‌اش منشرح است.^۳

۵. مقام «خلق عظیم»

خداوند، پیامبر خود را به عظمت اخلاقی داشتن می‌ستاید:

﴿ وَآتَكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ ﴾^۴

خداوند با جمله اسمیه و تأکید می‌فرماید: «تو دارای اخلاق عظیمی هستی». وقتی خدای سبحان از چیزی به عظمت یاد کند، معلوم می‌شود که آن چیز از عظمت فوق العاده‌ای برخوردار است، چون او هر چیزی را به «عظمت» نمی‌ستاید، بسیاری از موارد را با صفت «ضعف» یا «قلت» یاد می‌کند. سراسر دنیا را اندک می‌شمارد: ﴿ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ ﴾^۵ و از دسیسه‌های شیطان به عنوان ﴿ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا ﴾^۶ سخن می‌گوید؛ اما وقتی از خلق رسول خدا - صلی الله علیه و آله - نام می‌برد می‌فرماید:

«ای پیامبر! تو واجد همه ملکات نفسانی در حد اعلی هستی»

ع. مقام «رأفت و رحمت»

رحمت و رأفت، صفت فعل حق است و هر صفت فعل را از مقام فعل موصوف انتزاع می‌کنند نه از مقام ذات وی، و جایگاهی که محل انتزاع رأفت و رحمت است، جایگاهی امکانی است، رحمان جایگاه می‌شود «رأفت و رحیم» و بارزترین مصداق و مظهر آن رسول خدا - صلی الله علیه و آله - است. خداوند برای خود رحمتی عامه و رحمتی خاصه قایل است و این دو خصوصیت را برای قرآن و پیامبر نیز بیان داشته است؛ از طرفی می‌فرماید: من رحمت عامه‌ای دارم: ﴿ زُحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ ﴾^۷ یعنی هر چه مصداق شیء است مشمول رحمت من است، و از طرف دیگر می‌فرماید: متقیان، از رحمت ویژه‌ام برخوردارند. ﴿ فَسَأَكْتُبُهَا الَّذِينَ يَتَّقُونَ ﴾^۸ و در مورد پیامبر - صلی الله علیه و آله - می‌فرماید: تو مظهر رحمت مطلق من هستی زیرا ﴿ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴾^۹ و نسبت به مؤمنان، رحمت خاص داری:

﴿ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ ﴾^{۱۰}

۷. مقام شامخ «رسالت»

خدای سبحان نعمت رسالت را به عنوان وزین‌ترین نعمت‌های الهی نام می‌برد:

﴿ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ

۱ - تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۸، ص ۵۸.

۲ - سوره احزاب (۳۳) آیه ۲۵.

۳ - همان.

۴ - سوره نساء (۴) آیه ۷۷.

۵ - سوره نوره (۲۴) آیه ۳۱.

۱ - سوره احزاب (۳۳) آیه ۲۱.

۲ - سوره طه (۲۰) آیه ۲۵.

۳ - تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۸، ص ۳۳۱ و ۳۲۹.

۴ - سوره نساء (۴) آیه ۴.

۵ - سوره نساء (۴) آیه ۷۷.

۶ - همان، آیه ۷۶.

آيَاتِهِ وَ يَزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ...»^۱

«خداوند متعال بر مؤمنان عالم منت نهاد که رسولی را از ارواح و نفوس آنان برانگیخت تا آیات الهی را بر آنان تلاوت و ایشان را از عزند تیرگی و تباهی تطهیر. و به کتاب و حکمت آگاهشان کند. گر چه قبل از رسالت رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - در گمراهی روشن بودند.»

نعمت وزینی که هضم و تحملش دشوار باشد، «منت» نامیده می‌شود. خدای سبحان نعمت‌های مادی را منت نمی‌نامد، اما نعمت رسالت را بر مؤمنان منت می‌داند، زیرا مردان با ایمان، پذیرای رسالت رسول اکرم بوده، به اندازه درجه وجودی خود از این نعمت بی‌کران بهره می‌برند.^۲

۸. مقام «اسم اعظم» والاترین درجه عندالله

قرآن کریم درباره مؤمنان می‌فرماید: «لَهُمْ دَرَجَاتٌ»^۳ یعنی مردان الهی در پیشگاه خدا دارای درجاتی از قرب هستند؛ اما در سوره آل عمران، قبل از «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» می‌فرماید: «هُنَّ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ»^۴ یعنی خود مؤمنان درجات حقیقی قرب الهی اند. مؤمن به هر مقامی برسد عین درجه و کمال خواهد شد، همان طور که علم و عالم و معلوم متحدند، عمل و عامل و معمول هم متحد خواهند شد. بالاترین درجه وجودی ایمان، مقام شامخ خاتم الانبیاء است.

اگر دیگران دارای درجاتی متوسط اند، رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - دارای عالی‌ترین درجه جهان امکان و مظهر اسم اعظم، بلکه خود اسم اعظم است و اسم اعظم لفظ نیست تا کسی بتواند با فراگرفتن آن لفظ و آمیختن حروف و کلمات در نظام کیان، اثر بگذارد؛ مفهوم ذهنی هم نیست تا

۱ - سوره آل عمران (۳) آیه ۱۶۴

۲ - تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۸، ص ۱۲۶

۳ - همان، ج ۸، ص ۱۲۷ و ص ۱۲۸

۴ - سوره آل عمران (۳) آیه ۱۶۳

با تصور فکری آن، اثر عینی در جهان یدید آید؛ زیرا جهان هستی بر اساس نظام علت و معلول اداره می‌شود و کسی نمی‌تواند با حروف و کلمات و معانی اعتباری، در متن خارج، اثر بگذارد، اسم اعظم عالی‌ترین درجه جهان امکان و رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - خود، اسم اعظم است و روح بلند و جان والای حضرتش که اسم اعظم و ریشه همه فیوضات تکوینی است می‌تواند در جهان امکان به اذن خداوند اثر بگذارد، زیرا اسمای فعلی، به اسمای ذاتی منتهی می‌شود و رسول الله، اسم اعظم و مقام شامخ وی، اعظم مقامهاست.

۹. مقام «علم لدنی»

هیچ کس به پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - علم نیاموخت فقط خدا او را عالم و آگاه کرد و آنچه خدا به رسولش داد، نه از راه چشم و گوش مادی، که از راه جان و دل بود. در علوم حصولی که زاد راه مکتبهای بشری است، اول گوش، صداها را می‌شنود و یا چشم، نقش‌ها را می‌بیند، بعد فکر آن را می‌فهمد، اما آنچه را رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - می‌یابد، اول جانش می‌بیند بعد چشم و گوشش: «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ» او نخست حقایق قرآن را با جان مبارکش دریافت، سپس الفاظ، کلمات، سوره‌ها و آیه‌های قرآن کریم را - که عینا معجزه الهی است - با گوش شریفش شنید، به عبارت دیگر، هم لفظ قرآن، اعجاز غیبی است و هم محتوای آن، معجزه غیبی است. پس نحوه دریافت قرآن و معارف آن به عکس دریافت‌های علوم عادی است. خداوند وحیی بر جان رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - ایجاد کرد که قابل وصف نیست:

«فَأَوْحَىٰ إِلَيَّ غَيْبُ مَا أَوْحَىٰ»

چون آن مقام منیع منزله از وضع و قرارداد و مبرای از علم حصولی و ذهنی است، علمش لدنی است و علم لدنی در ردیف علوم دیگر نیست که

۱ - سوره نجم (۵۳) آیه ۱۰

موضوع و محمول داشته باشد، بلکه حقایق و معارف، وقتی از مقام لدن، یعنی از نزد «الله» فرا گرفته شد، «لدنی» نام دارد؛ پایین تر از آن مرحله، جای کسوت لفظ و کلمه و قرارداد و عبری و عربی و تازی است.

از این رو خداوند متعال می فرماید:

﴿إِنَّكَ تَلْتَفِتُ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ﴾^۱

۱. مقام «عصمت»

مقام عصمت شامل عصمت علمی و عصمت عملی می شود که به هر یک می پردازیم:

الف: عصمت علمی

همه انبیا در مسائل علمی، چه در یادگیری از وحی و حفظ و یاد دادن آن معصوم هستند. این ملکه علمی بدون شهود میسر نیست، زیرا انسان در عالم خیال، بافته های خود را بر یافته های عقل عرضه می کند و آن را مشوب می سازد، ولی اگر در حرم عقل ناب به سر برد و از دسترسی وهم و خیال رهید، معصوم خواهد بود و کسی که عین صراط مستقیم باشد، از آسیب وسوسه و دسیسه مصون است خداوند به پیامبرش می فرماید:

﴿إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^۲

ب. عصمت عملی

مقام متبع عصمت عملی برای کسی حاصل است که به مرز اخلاص رسیده باشد. در این حال، در حرم امن او شهوت و غضب باطل راه ندارد، چون وی،

۱ - سوره نمل (۲۷) آیه ۶
 ۲ - تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱، ص ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۸۶
 ۳ - سوره زخرف (۴۳) آیه ۴۳
 ۴ - تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱، ص ۱۱۷

هر دو را مهار کرده است و وقتی انسان به مقام امن اخلاص راه یافت و جزو صالحان شد، تحت ولایت الله است و شیطان اقرار کرده که به آن مقام راه ندارد: ﴿إِلَّا عِبَادِكُمْ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ﴾^۳

فضایل و مناقب پیامبر اعظم ﷺ در قرآن

قرآن کریم، در آیات متعددی به فضایل پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - اشاره کرده است؛ فضایی که منحصر به آن وجود مقدس است و هر یک از آنها از منقبتی از مناقب بی شمار آن وجود نازنین یرده برداشته است. در این بخش به تعدادی از آنها، به کمک آیات کریمه قرآن، اشاره می کنیم:

۱. کلامش جز وحی نیست

پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - که کلام و سکوتش مظهر کلام و سکوت خداست، هر چه می گوید وحی است:

﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾^۴

یعنی آنچه را که به عنوان سنت و سیرت و گفتار دینی از او می شنوید، وحی است. این آیه کریمه به لفظ و لسان اختصاص ندارد بلکه مصونیت منطقی، رفتار، سنت و سیره او را نیز می رساند. به فرض از این آیه نتوان این معنای وسیع و فراگیر را استنباط کرد.

از آیه سوره انعام و سایر آیاتی که می گوید: پیامبر - صلی الله علیه و آله - جز از وحی تبعیت نمی کند: ﴿إِنْ أَتَيْتَ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ﴾^۵ می توان به خوبی استظهار کرد که سیره رسول خدا چه در گفتار و رفتار و چه در املا - که کتاب تسبیحی است - هیچ گاه بدون اذن وحی نیست و در ابلاغ وحی نیز هرگز بخل

۱ - سوره حجر (۱۵) آیه ۹۰
 ۲ - تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱، ص ۱۱۵
 ۳ - سوره نجم (۵۳) آیه ۳
 ۴ - سوره انعام (۶) آیه ۵۸

نمی‌ورزد.

۲. عظمت روحی پیامبر اکرم ﷺ

در عظمت رسول خدا - صلی الله علیه و آله - همین بس که خدای سبحان می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ﴾^۱

«ما سوره مبارکه فاتحه و قرآن عظیم را به تو دادیم.»

کتابی که ﴿لَوْ أَنْزَلْنَاهُ الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مَتَضَعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ﴾^۲ «اگر حقیقت آن را بر کوه نازل می‌کردیم. آن کوه متلاشی می‌شد؛ کوه توان تحمل عظمت قرآن را ندارد اما توبه خوبی آن را تحمل می‌کند.»^۳

۳. او مظهر اسم «محبی» و «مغنی» است

خداوند سبحان، پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - را محور حیات قرار داده، او مظهر «محبی» است و پیروی از او حیات بخش است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾^۴ مقصود از این حیات، حیات نباتی یا حیوانی یا حیات نازل‌ترین درجه انسانی و مانند آن نیست؛ زیرا خداوند به مردم خطاب نمی‌کند بلکه به مؤمنان خطاب می‌کند، به آنان که از اصل حیات اسلامی طرفی بسته‌اند، می‌فرماید: پیروی از پیامبر، شما را زنده‌تر می‌کند یا همچنان حیاتتان را محفوظ نگه می‌دارد.

در این آیه با خطاب تشریفی می‌فرماید: ای کسانی که با مؤمن شدن بخشی از حیات خویش را تحصیل کردید، پیرو محور حیات باشید تا حیاتتان محفوظ بماند، یا به حیات برتر راه یابید، اگر ایمانتان ظاهری است

۱ - سوره حجر (۱۵) آیه ۸۷.

۲ - سوره حشر (۵۹) آیه ۲۱.

۳ - تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱، ص ۴۱.

۴ - سوره انفال (۸) آیه ۲۴.

بکوشید آن را باطنی کنید، پیامبر - صلی الله علیه و آله - محور حیات است یعنی خود زنده و مظهر ﴿الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ﴾^۱ است، پیروی از او نیز حیات جاودانه می‌بخشد.

خدای سبحان، رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - را مظهر «غنی» می‌داند، اغنا و بی‌نیاز کردن را به او نسبت داده می‌فرماید: بدانندشان نخواستند از مؤمنان انتقام بگیرند مگر این که خداوند و پیامبر آنان را بی‌نیاز کرد: ﴿أَغْنَيْنَهُمُ اللَّهُ وَرَسُولَهُ﴾^۲ آن اندازه رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرد شاخص و برجسته‌ای است که مظهر «مغنی» می‌شود.

این که خدای تعالی اغنای پیامبر را در ردیف اغنای خود بیان فرموده نشانه آن است که پیامبر - صلی الله علیه و آله - مظهر این نام شریف است؛ خداوند در میان پیامبران، صفت برجسته «اغناء» را به کسی جز پیامبر - صلی الله علیه و آله - اسناد نداده است سر این نکته آن است که رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - بنده کامل است و بندگی، اصلی است که انسان را مظهر ربوبیت می‌کند و لازمه اطاعت از خداوند، بی‌نیازی از غیر او است: «طَاعَتُهُ غِنَى» و اگر این اطاعت به کمال مطلوب رسید، آن بنده محض و مطیع صرف، مایه بی‌نیازی دیگران هم خواهد شد و در حقیقت، آن بندگی خداست که مغنی است.^۳

۴. تجلیل خداوند نسبت به پیامبر اکرم ﷺ در خطاب

خدای سبحان، از نظر ادب محاوره، حرمتی خاص برای پیامبر خاتم - صلی الله علیه و آله - قایل است که برای انبیای پیشین قایل نبوده. انبیای گذشته را با نام مخصوص آنها خطاب می‌کند، اما هرگز نام مبارک پیامبر

۱ - سوره فرقان (۲۵) آیه ۵۸.

۲ - سوره توبه (۹) آیه ۸۴.

۳ - تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱، ص ۳۶.

اسلام را به عنوان «یا محمد» نمی‌برد بلکه همیشه از او با تعبیرهای تجلیل آمیزی همچون: «یا ایها النبی»، «یا ایها الرسول» یاد می‌کند. مثلاً درباره آدم ابوالبشر می‌فرماید:

﴿ يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ ﴾^۱

درباره حضرت نوح می‌فرماید:

﴿ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ ﴾^۲

درباره موسی:

﴿ يَا مُوسَى أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ ﴾^۳

ولی درباره رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - علاوه بر خطاب جلالت آمیز خود، به بندگان نیز می‌آموزد:

﴿ لَا تَجْعَلُوا دَعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدَعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا ﴾^۴

«هرگاه خواستید پیامبر را صدا بزنید او را مانند مردی عادی صدا نزنید.»

بلکه هم نحوه صدا زدن و هم اصل آن آمیخته با تجلیل و تکریم باشد.^۵

۵. عالم بودن به غیب و شهادت

از مقامهای منبع رسالت، اطلاع بر غیب است. خدای سبحان می‌فرماید:

﴿ قُلْ أَغْمَلُوا فَمَنْ يَمَسِرُ إِلَهُكُمْ اللَّهُ عَمَلِكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ ﴾^۶

«به مردم بگو هر کاری می‌کنید خدا، پیامبر و مؤمنان می‌بینند.»

یعنی مقام رسالت که مقام اطلاع بر غیب، آگاهی بر نهان و نهاد

انسان‌ها، قلب‌ها و فکرها و سرهای دیگران است، از کارهای شما اطلاع دارد.

- ۱ - سوره بقره (۲) آیه ۳۵
- ۲ - سوره هود (۱۱) آیه ۶۵
- ۳ - سوره قصص (۸) آیه ۱۷
- ۴ - سوره نور (۲۴) آیه ۶۳
- ۵ - تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۸، ص ۵۷
- ۶ - سوره نوره (۹) آیه ۱۱

این که خدا فرمود: بگو پیامبر می‌بیند، تنها اخبار نیست بلکه با این بیان، پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - را مظهر عالم غیب و شهادت کرده است. خداوند در جای دیگر می‌فرماید:

﴿ عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يَظْهَرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِن رَّسُولٍ ﴾^۱

«خداوند عالم غیب است و غیب را بر احدی آشکار نمی‌کند مگر بر

رسولی که مرتضی باشد.»

یعنی دینش مرضی خدای سبحان باشد و رسول اکرم - صلی الله علیه و

آله - به یقین مرتضای خدا و دین او به یقین خداستندانه بود. از این آیه استفاده می‌شود که رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - عالم غیب است.^۲

۶. دارنده شرح صدر

خداوند سبحان به رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - می‌فرماید: «ما برای این که تو را به مکتب لدی الاهی برسانیم و از ام الكتاب برخوردارت کنیم. ظرف دلت را باز کردیم تا گنجایش این علوم را داشته باشی.»

﴿ أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ۖ وَالَّذِي تَقْصُصَ ظَهْرَكَ ﴾^۳

«آن بار توان فرسای را از دوش تو برداشتیم و سینهات را گشودیم. مانعی از

درون و فشاری از بیرون نداری. می‌توانی اسرار را بتگری و سختی‌ها را

تحمل کنی.»^۴

۷. درود فرستادن خدا و ملائکه بر پیامبر اکرم ﷺ

مقام پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - آن قدر والاست که آفریدگار هستی و

تمامی فرشتگان بر او درود می‌فرستند و خداوند به همه مؤمنان دستور

- ۱ - سوره جن (۷۲) آیه ۲۷
- ۲ - تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۸، ص ۱۹۲ و ۲۳۸
- ۳ - سوره تنزیل (۹۶) آیه ۱
- ۴ - تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۸، ص ۲۳۸

می‌دهد که آنها هم بر پیامبر - صلی الله علیه و آله - درود بفرستند:

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ
سَلِّمُوا تَسْلِيمًا»

«خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند، ای کسانی که ایمان

آورده‌اید! بر او درود بفرستید و سلام گوید و تسلیم فرمانش باشید.»^۱